

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ

خلاصه مباحث گذشته

در مورد شخصی که در موضع قصر نماز را تمام بخواند فروعی مانند علم، جهل، نسیان و غفلت وجود داشت که در مورد جهل، جهل نسبت به اصل حکم و خصوصیات و در مورد نسیان، ناسی حکم و موضوع مطرح بود.

عمده استدلال در این فروع حول محور چهار روایت است: الف - صحیح حلی که امام (علیه السلام) در آن می‌فرماید: اگر کسی به جای نماز قصر نماز را تمام بخواند باید مطلقاً اعاده نماید و لذا شامل تمامی صور مذکور می‌شود.

بزرگانی مانند مرحوم خوئی (ره) فرمودند: اگر ما باشیم و این روایت هر کسی در موضع قصر نماز را تمام بخواند باید اعاده نماید و تفاوتی میان صورت جهل، نسیان، علم و غفلت وجود ندارد.

ب - روایت ابوبصیر که موضوع آن نسیان است و امام (علیه السلام) در پاسخ راوی می‌فرمایند: اگر در وقت متوجه شد باید اعاده نماید اما اگر در خارج وقت بود قضاء لازم نیست.

در مورد متعلق نسیان در روایت بعید نیست ادعای انصراف نموده و بگوئیم متعلق نسیان موضوع می‌باشد؛ یعنی این شخص عالم به حکم بوده و آن را فراموش نکرده و می‌داند در هشت فرسخ نماز قصر است اما در عین حال موضوع را فراموش کرده است. طبق این بیان و پذیرش ادعای انصراف، نسیان در موضوع، از اطلاق روایت حلی خارج خواهد شد. لذا اگر شخصی موضوع را فراموش نمود در وقت باید اعاده نماید اما در خارج وقت اعاده لازم نیست.

در مقابل اگر ادعای انصراف را نپذیرفته و بگوئیم مراد نسیان به صورت مطلق چه در حکم و چه در موضوع است، نسیان به صورت مطلق از اطلاق روایت حلی خارج می‌شود.

ج - روایت زراره و محمد بن مسلم که در آن میان صورت علم و جهل تفصیل داده شده است.

د - روایت عیص بن القاسم نیز سوال به صورت کلی است و مسئله نسیان در آن مطرح نشده است اما گفتیم به قرینه روایت ابو بصیر، روایت مذکور نیز باید حمل بر مورد نسیان در موضوع یا اعم از موضوع و حکم شود، لذا این دو روایت یکی هستند و حکم هم این است که در وقت اعاده نموده و در خارج وقت قضا لازم نیست.

طبق این بیان روایت مذکور با روایت زاره و محمد بن مسلم تعارضی ندارد چون یک قسمت از روایت مذکور مربوط به عالم و قسمت دیگر مربوط به جاهل بوده و ارتباطی به ناسی ندارد. مگر این‌که بگوئیم قسمت اول که امام (علیه السلام) می‌فرماید: «إِنْ

كَانَ قُرْبَتْ عَلَيْهِ آيَةُ التَّقْصِيرِ» شامل ناسی و غیر ناسی می‌شود.

عدم شمول روایت عیص بن القاسم نسبت به عالم عامد

اگر حمل روایت عیص بن القاسم بر نسیان به کمک روایت ابو بصیر پذیرفته نشود نمی‌توان گفت اطلاق آن شامل عالم، جاهل و ناسی می‌شود تا در صورت علم و عمد با دو قسمت از روایت زراره و محمد بن مسلم تعارض داشته باشد؛ یعنی اگر عالم است مطلقاً اعاده نماید چه در داخل و چه در خارج وقت و اگر جاهل است مطلقاً اعاده نمی‌خواهد. برای این مطلب دو بیان در کلمات ذکر شده‌است:

بیان اول: کلام مرحوم بروجردی(ره)

مرحوم بروجردی (ره) می‌فرماید: روایت عیص بن القاسم از عالم عامد انصراف دارد به این جهت که از شخص متدینی که عالم به وجوب قصر در سفر است و قصد امتثال دارد، بعید می‌باشد که نماز را عمداً تمام بخواند.^[1] به نظر ما این بیان تام است چرا که اگر شخصی علم دارد نماز در سفر قصر است بسیار کم پیش می‌آید که نماز را عمداً تمام بخواند.

بیان دوم: کلام مرحوم محقق خوئی (ره)

مرحوم خوئی (ره) می‌فرماید: روایت عیص بن القاسم شامل عالم عامد نیست چرا که روایت مذکور تنها ناظر به تفصیل بین وقت و خارج وقت است.

در ادامه می‌فرماید: «لَا أَنَّهُ إِذَا أَرَادَ أَنْ يَعِيدَ فَإِنَّ كَانَ الْوَقْتُ بَاقِيًا أُعَادَ وَإِلَّا فَلَا، كِي تَشْمَلُ صُورَةَ الْعَمْدِ.» به نظر ما این عبارت ارتباطی به مدعای ایشان نداشته و ظاهراً سهو قلمی صورت گرفته‌است.

سپس می‌فرماید: «و مرجع ذلك إلى أَنَّ شَرْطِيَّةَ التَّقْصِيرِ ذِكْرِيَّةٌ...مورد هذه الصحيحة ما إذا كان الإتمام مستنداً إلى اعتقاد المشروعية ثم انكشف الخلاف إما في الوقت أو في خارجه، فلا تشمل العالم العامد قطعاً.»^[2] یعنی شرطیت تقصیر ذکرری است چرا که بین وقت و خارج وقت تفصیل داده شده و می‌فرماید: اگر در وقت متوجه شدی اعاده کن و اگر در خارج وقت متوجه شد شرطیت مذکور منتفی است.

پس مورد صحیحه جایی است که شخص اعتقاد به مشروعیت اتمام داشته و فکر می‌کرده اگر نماز را تمام بخواند صحیح است –جاهل مرکب– لذا در سفر تمام خوانده و بعد متوجه شده‌است که نباید نماز را به صورت تمام می‌خوانده‌است.

البته ایشان بیانی در مورد صحیحه زراره و محمد بن مسلم دارند که طبق آن ذکرری بودن شرطیت تقصیر از این روایت استفاده نموده‌اند.

هر چند بیان مرحوم بروجردی (ره) برای اثبات عدم شمول روایت عیص بن القاسم نسبت به مورد عالم عامد تام بود اما به نظر ما بیان ایشان در این بحث تام نبوده و از لحاظ عرفی قرینیت ندارد چرا که کشف خلاف در وقت و خارج وقت نمی‌تواند قرینه بر آن باشد.

ظاهراً مراد ایشان از ذیل عبارت شخصی است که عالماً و عامداً نماز را تمام خوانده‌است و قصد اعاده نیز ندارد و امام

(علیه السلام) درصدد بیان حکم برای شخصی هستند که وقتی متوجه اشتباه خود شده است قصد دارد اعاده نماید.

جمع‌بندی بحث

طبق بیان ما که روایت ابوبصیر قرینه برای روایت عیص باشد مورد روایت ناسی است در نتیجه میان روایت عیص و زراره تعارضی وجود ندارد لذا نسبت سنجی نیز بی مورد است.

اما اگر روایت عیص بن القاسم شامل عالم عامد نشده و تنها جاهل و ناسی در بر بگیرد، در مورد جاهل با صحیح زراره نسبت عام و خاص مطلق داشته و تعارض وجود دارد چرا که صحیح زراره می‌گوید: جاهل مطلقاً اعاده نیاز ندارد اما روایت عیص می‌گوید: هر چند در وقت اعاده لازم است اما در خارج وقت اعاده لازم نیست لذا باید مقید آن شود.

به بیان دیگر صحیح حلبی اطلاق بسیار گسترده‌ای دارد که طبق آن باید در تمام فروض نماز اعاده شود. اما در این‌که چه نسبتی میان روایت عیص بن القاسم و روایت زراره وجود دارد بحث وجود دارد. اگر بگوئیم روایت عیص شامل عالم عامد نیز می‌شود نسبت عام و خاص من وجه است یعنی روایت عیص می‌گوید عالم اگر در وقت متوجه شد اعاده کند و اگر خارج وقت متوجه شد اعاده لازم نیست. در مقابل روایت زراره می‌گوید: برای عالم مطلقاً اعاده لازم است.

به تعبیر دیگر صحیح زراره هر چند نسبت به علم خاص است اما نسبت به اعاده داخل و خارج وقت عام است. در مقابل صحیح عیص هر چند نسبت به اعاده خاص است اما نسبت به علم و جاهل عام است.

اما اگر بگوئیم روایت عیص شامل عالم عامد نیز می‌شود، نسبت روایت مذکور و روایت زراره عام و خاص من وجه است به این جهت که روایت عیص از جهت کشف خلاف در خارج و داخل وقت خاص و از جهت علم و جاهل عام است. اما روایت زراره از جهت علم، خاص اما از جهت کشف خلاف در خارج و داخل وقت عام است.

لذا مشخص می‌شود این‌که مرحوم عمّانی (ره) برخلاف مشهور می‌فرماید: اگر کسی جاهل به اصل وجوب تقصیر باشد مطلقاً باید اعاده نماید طبق همین مبنا است؛ یعنی روایت زراره می‌گوید: جاهل در داخل وقت اعاده نمی‌خواهد اما روایت عیص می‌گوید: جاهل داخل وقت اعاده می‌خواهد.

پس از وقوع تعارض و با فرض این‌که مرجحی در کار نباشد هر دو ساقط می‌شوند و باید به عمومات «کل زیادة مبطل» یا «المسافر یقصر» و حتی به قاعده اولیه که می‌گوید: مأتی به با مأمور به مطابقت ندارد پس امتثال محقق نشده است، رجوع نمود. لذا باید داخل یا خارج وقت نماز را به صورت قصر مجدداً بخواند.

انصراف صحیح زراره از خارج وقت

مرحوم خوئی (ره) در ادامه و درباره صحیح زراره می‌فرماید: صحیح زراره کالصریح در این است که اگر شخصی نماز را عالمّاً تمام خواند در وقت اعاده نماید و اگر جاهل بود احتیاج به اعاده در وقت ندارد؛ یعنی صحیح مذکور انصراف از خارج وقت دارد و تنها حکم مربوط به وقت را بیان نموده است. بلکه اگر شامل خارج وقت شود نسبت عام و خاص من وجه برقرار بود.

در مقام تعلیل می‌فرماید: «فإنَّه المقصود بالذات، و المعطوف إليه النظر، و المنسب إلى الذهن في مقام تعلّق الحكم بنفي الإعادة

او بثبوتها.» یعنی زمانی که بحث از وجوب یا عدم إعاده مطرح می‌شود آن‌چه به ذهن انسباق دارد، در مورد وقت است. اما نسبت به خارج وقت چنین مطلبی به ذهن متبادر نمی‌شود چرا که قضاء امری تبعی، فرعی، ثانوی جنبی است و مقصود بالاصالة و بالذات وقت است.^[3]

به نظر ما تعلیل مذکور صحیح نیست و بیان ایشان همان مطلبی است که مشهور در مورد روایت زراره دارند؛ یعنی اگر شخص عالم و عامد بود مطلقاً چه خارج و چه داخل وقت باید إعاده نماید اما اگر جاهل بود نیازی به إعاده ندارد مطلقاً.

ضمن این‌که شاید کسی بگوید گاهی اوقات یک معنای مجازی مشهور نیز متبادر به ذهن می‌شود اما اشکال این است که در مسئله محل بحث اطلاق وجود دارد و تبادر مربوط به جایی است که قصد داریم موضوع له لفظ را متوجه شویم. در حالی‌که ما در مقام وضع و به دنبال کشف مفهوم نیستیم. در مسئله محل بحث اصالة الاطلاق می‌گوید: چه در وقت کشف خلاف شود و چه بعد از وقت.

نکاتی در رابطه با راهپیمایی روز قدس

بنابر آن‌چه مرحوم امام خمینی (ره) فرمود روز جمعه آخر ماه مبارک رمضان به عنوان روز قدس مطرح شده است و طبق فرمایش ایشان این روز اختصاص به افرادی که در سرزمین فلسطین هستند ندارد لذا این‌که برخی می‌گویند: آن‌جا فلسطین است به ما ارتباطی ندارد و خودشان باید برای خود تصمیم بگیرند و چرا باید نجات فلسطین یکی از آرمان‌ها انقلاب اسلامی باشد، مطالب صحیحی نیست. از مبنایی که ما در رساله جهاد نبی بیان نمودیم کاملاً مبنای فقهی مبارزه با اسرائیل مشخص می‌شود.

باید دانست که دشمنی اسرائیل با دنیای اسلام و حتی مسیحیت است. تصویری از یکی از موزه‌های صهیونیست‌ها در فضای مجازی منتشر شده است که مسلمانان در حال سجده و بر روی او یک مسیحی نشسته و روی شانه‌های آن فرد مسیحی یک یهودی ایستاده است.

البته طرف صحبت ما یهودیان نیست چرا که بسیاری از آن‌ها با روش و منش اسرائیل مخالفت دارند. مطلب این است که یک گروه افراطی در دنیای یهود به نام صهیونیست پیدا شده است که در میان مسلمانان گروه افراطی وهابیت وجود دارد و جزء مبنای فکری آن‌ها این است که غیر از ما هیچ انسان دیگری آدم محسوب نمی‌شود لذا به آن‌ها نژاد پرست می‌گویند. این‌ها می‌گویند: زمانی می‌رسد که یکی از ما ظهور کند و سایر ادیان اعم از مسلمان و مسیحی برده‌ی ما خواهند شد و در حال حرکت به سمت این هدف هستند.

پس تنها مشکل ما با اسرائیل این نیست که به عنوان بخشی از جنایاتشان یک سرزمین را اشغال نموده و عده زیادی را آورده کرده و به قتل رسانده‌اند.

کسی که تعبیر «مَنْ سَمِعَ رَجُلًا يُنَادِي يَا لَلْمُسْلِمِينَ»^[4] باور داشته باشد نمی‌تواند در مقابل دادخواهی فلسطینیان ساکت نشسته و بگوید ما در این طرف دنیائیم و به ما ارتباطی ندارد. هدف اصلی اسرائیل از بین بردن اسلام و حتی مسیحیت است. هدف این است که تفوق و ولایتی بر تمام ادیان داشته باشند. باید به برخی که نسبت به ولایت فقیه با این همه ادله محکم اشکال می‌کنند گفت بروید ببینید این‌ها چه ادعاهایی دارند. از همین زمان محاسبه کرده‌اند که اگر موعودشان ظهور کند به هر یهودی 2800 برده می‌رسد.

یکی دیگر از مشکلات این است که دشمن‌ترین افراد با انقلاب اسلامی ما اسرائیلی‌ها هستند. حتی در برخی موارد اگر زمینه‌های ارتباط در حد معقولی میان ایران و آمریکا پیش آمده این‌ها مخالفت کرده‌اند. در حال حاضر بزرگ‌ترین مشکل و سنگ اصلی بر سر راه برجام مخالفت‌های اسرائیلی‌ها است. ما اگر هیچ دلیلی برای روز قدس نداشته باشیم صرف مخالف این رژیم خون‌خوار، کودک‌کش، آدم‌کش و نژاد پرست با انقلاب ما کافی است.

ما باید نسبت به این مسئله که جزء مسائل اساسی دنیا اسلام حساسیت داشته و در مورد آن مسامحه به خرج ندهیم. یک مقدار بی توجهی خدایی ناکرده سبب می‌شود که اسرائیل به اهداف خود نزدیک شود که در این صورت مسجد، حسینیه و مسلمانانی باقی نخواهد ماند.

خطر اسرائیل همان‌گونه که مرحوم امام (ره) فرمود مانند غده سرطانی در پیکره بشریت است. این‌ها بسیار خطرناک هستند لذا باید به روز قدس اهمیت داده و هر کس تا حد توان خود باید در راهپیمایی روز قدس شرکت نموده و مخالفت خود را با این رژیم اعلام نماید.

به نظر من تردیدی در عبادت بودن آن وجود ندارد. مرحوم والد ما (ره) مقید بودند در چند راهپیمایی شرکت داشته باشند. یکی در راهپیمایی روز 22 بهمن یکی در راهپیمایی و دسته‌جات حضرت زهرا در روز شهادت آن حضرت یکی هم در راهپیمایی روز قدس. به این راهپیمایی توجه داشته باشیم و به دیگران بگوئیم و نگذاریم این تبلیغات سوء در ما اثر داشته باشد.

و صَلَّى اللهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ

[1]. «و ربما يدعى انصراف الرواية إلى خصوص الناس للموضوع «3»، فلو سلم ذلك فهو، وإلا فتحمل بسبب ترك الاستفصال على العموم. نعم لا يبعد دعوى انصرافها عن العالم العام، إذ يبعد جدا إتمام المسافر عمدا مع علمه بتعين القصر عليه و التفاته إلى ذلك.» البدر الزاهر في صلاة الجمعة و المسافر، ص338.

[2]. «و لكنّه كما ترى، فإنّ صحيحة العيص غير شاملة للعائد بوجه، بل ناظرة إلى التفصيل بين الانكشاف في الوقت و الانكشاف خارجه، و أنّه تجب الإعادة في الأوّل دون الثاني، لا أنّه إذا أراد أن يعيد فإن كان الوقت باقياً أعاد و إلّا فلا، كي تشمل صورة العمد. و مرجع ذلك إلى أنّ شرطية التقصير ذكرية كما هو الحال في بعض الأجزاء و الشرائط و أنّها خاصّة بحال الالتفات إليها في الوقت، و بدونها لا شرطية له بل العمل صحيح حتّى واقعاً، و لأجله لا تجب الإعادة. فهي ناظرة إلى التفصيل من حيث الصحة و الفساد باعتبار الانكشاف في الوقت و خارجه، و أجنبية عن مسألة القضاء، لعدم تحقّق الفوات واقعاً، و لذا لو فرضنا أنّه انكشف له في الوقت و تنجّز عليه التكليف ثمّ ترك القصر اختياراً أو بغير الاختيار فإنّه لا إشكال في وجوب القضاء حينئذ، لأنّه ترك ما تنجّز عليه في الوقت، و لا تكون هذه الصحيحة نافية له. و على الجملة: مورد هذه الصحيحة ما إذا كان الإتمام مستنداً إلى اعتقاد المشروعية ثمّ انكشف الخلاف إمّا في الوقت أو في خارجه، فلا تشمل العالم العام قطعاً، بل هو خارج عنها رأساً، فلا تكون معارضة لصحيحة زارة، و لا مقيدة لصحيح الحلبي، فيبقى إطلاق الإعادة فيهما الشامل للوقت و خارجه على حاله.» موسوعة الإمام الخوئي، ج، ص: 359 و 360.

[3]. موسوعة الإمام الخوئي، ج، ص360 و 361.

[4]. «عنه عن سلمة بن الخطاب عن سليمان بن سماعة عن عمه عاصم الكوزي عن أبي عبد الله عليه السلام أنّ النبي صلى الله عليه وآله قال: مَنْ أَصْبَحَ لَا يَهْتُمُّ بِأُمُورِ الْمُسْلِمِينَ فَلَيْسَ مِنْهُمْ وَ مَنْ سَمِعَ رَجُلًا يُنَادِي يَا لِلْمُسْلِمِينَ فَلَمْ يُجِبْهُ فَلَيْسَ بِمُسْلِمٍ.» الكافي، ج ٢، ص ١٦٤.